

## تضاد های درونی نظامهای سرماییداری امپریالیستی و تأثیرات جانبی آن بر دولت دست نشانده کرزی

نظام های سرماییداری امپریالیستی که بر استثماری و استثمار کشورهای شان و غارت، استعمار، ستم و بهره کشی مردمان کشورهای تحت سلطه در جهان استوار است از مدتی به این سو دچار بحران عمیق مالی گردیده و نظامهای سرماییداری امپریالیستی و دولت های دست نشانده آنها را در سطح جهانی به چالش بزرگی مواجه ساخته است. نظام های سرماییداری امپریالیستی که بر اساس کسب سود، رقابت و غصب ارزش اضافی از کارگران استوار است؛ و در این راه تا جائی پیش میروند که این رقابت هابر تسلط بر منابع و ثروتهای خلقها و ملل جهان باعث جنگهای بزرگ تباه کن امپریالیستی و تجاوز و غارت بر کشورهای دیگر میگردد. جنگهای تباه کننده و مخرب چون جنگ جهانی اول و دوم به اثر رقابت کشورهای سرماییداری امپریالیستی در جهت تجدید تقسیم جهان و تسلط بر منابع بیشتر بوجود آمد و صدمات بزرگی به جهان بشریت وارد ساخت. همچنان تجاوز و لشکر کشی های دول امپریالیستی به کشورهای مختلف جهان از جمله کوریا، ویتنام، کامبوج، لائوس و فلسطین در قرن بیستم و در دهه اخیر افغانستان، عراق و اخیراً لیبیا ناشی از خصلت استعمارگرانه و سود جویانه کشورهای سرماییداری امپریالیستی میباشد. بحران مالی که از چند سال به این طرف آغاز گردیده، دامن بسیاری از کشورهای سرماییداری امپریالیستی از جمله امریکا، انگلستان، جرمنی، هلند، اسپانیا، پرتغال، یونان و... را فرگرفته است. این بحران به کشورهای نیمه مستعمره و مستعمره (نظیر افغانستان) نیز سرایت کرده است. دولت دست نشانده در افغانستان که به اثر لشکر کشی کشورهای امپریالیستی به رهبری امپریالیزم جهانخوار امریکا سرهم بندی شده، بیش از یک دهه میشود که با کشتار، جنگ، خونریزی و تجاوز به جان و مال و ناموس مردم حکومت میکند و از خود هیچ نوع اراده و اختیاری ندارد و تابع او امر و عملکردهای نظام امپریالیستی جهانی میباشد. کشورهای امپریالیستی به رهبری امریکا بخاطر استحکام "نظم نوین جهانی" و به خاطر غارت و چپاول منابع سرشار کشورهای "جهان سوم" به بهانه مبارزه با گروه القاعده و تروریسم بین المللی در سال 2001 میلادی به افغانستان لشکر کشی

نمودند. در ظاهر رژیم طالبان را سقوط دادند و در کنفرانس بن طرح و تشکیل یک دولت پوشالی، دست نشانده که متشکل از تمام خائنین ملی، وطن فروشان، اجیران و خادمان کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی منطقه میباشند به رهبری کرزی را ریخته و آنرا عملی ساختند. از آن زمان تا کنون کشورهای امپریالیستی به رژیم دست نشانده کرزی میلیاردها دلار کمک های نقدی، تسلیحاتی و اقتصادی نموده و در ضمن چندین کنفرانس، سمینار، مجالس و گردهمایی های پر هزینه داخلی و خارجی را در رابطه به مسائل افغانستان ترتیب داده اند و ده ها تلویزیون و صدها روزنامه و جراید را به کار گرفته اند تا اذهان مردم را برای قبول و پذیرش آن آماده سازند. همچنان صدها روشنفکر مرتجع و مزدور، تسلیم طلب و بی وجدان را با امکانات وسیع تبلیغاتی و نشراتی فعال ساخته و آنهارا به نام مشاور، کارشناس، صاحب نظر و تحلیل گرمسایل سیاسی به تبلیغات گمراه کننده و مغز شوئی و مغشوش کردن اذهان مردم مصروف ساخته اند، تا تجاوز، بیدادگری، و بربریت را دموکراسی جازند. همچنان بیش از صد حزب انجوائی و فرمایشی توسط کشورهای امپریالیستی ایجاد گردیده و تمویل می شوند و به فعالیت های سیاسی و تبلیغاتی گمراه کننده مشغول میباشند و همه مصروف آن هستند تا از یک طرف غارت و تجاوز کشورهای امپریالیستی را به افغانستان موجه جلوه دهند و مانع رشد و نمو افکار انقلابی و آزادیخواهی در بین اقشار مختلف مردم بویژه روشنفکران گردند. و از طرف دیگر از کمک های مالی کشورهای امپریالیستی که برای ایجاد احزاب رفرمیستی و مزدور در کشورهای عقب مانده و دست نشانده اختصاص یافته است مستفید گردند. در این خصوص نقش روشنفکران مزدور ویا به اصطلاح تکنوکرات ها و "دموکرات" های وطنفروش برجسته است. آنها در ظرف این ده سال به انواع و اقسام حیل و گریه ها توسط نشریات، وبسایتهای و شبکه های تلویزیونی چه در داخل و چه در خارج افغانستان کوشش نموده اند تا برای مردم این توهم را پخش نمایند که گویا رژیم دست نشانده کرزی یک رژیم دموکرات است و موجودیت آن به نفع مردم است و هرکسی که بر ضد این رژیم تبلیغ و یا اقدام نماید، طالب است. در حالیکه همه به سر و چشم می بینند که به لحاظ ماهیت فرق عمده و اساسی بین دولت دست نشانده کرزی و طالبان وجود ندارد و هر دوی آنها مزدور و نوکر امپریالیزم و ارتجاع بوده و دشمن ترقی و تکامل اند. چه فرقی بین بمباردمان های وحشیانه امپریالیزم امریکا، قوای ناتو و دولت دست نشانده با حملات انتحاری طالبان وجود دارد. هر دوی این نوع حملات باعث کشتن و در بدری مردم کشور ما میگردد. اما حامیان و مزدوران دولت دست نشانده و گروه

طالبان با تر فند های گوناگون این حملات را توجیه مینمایند. مزدوران امپریالیستهای غربی بمباردمانهای امریکا و قوای ناتو را تحت عنوان مبارزه با القاعده و طالبان توجیه میکنند. طالبان و احزاب ارتجاعی وابسته به آنها حملات انتحاری و گردن زدن مردم را مبارزه بر ضد قوای خارجی و انمود میسازند. دفاع از دولت دست نشانده و طالبان در حقیقت دفاع از بمباردمان وحشیانه و دفاع از حملات انتحاری و ده هاجنایت و تجاوز آنها دیگر آنها علیه مردم است. فقط کسانی که وجدان شان را باخته باشند و یا مزدوری، نوکری و جاسوسی اجانب را قبول کرده باشند به دفاع از یکی از طرفین متخاصم می پردازند و طرف دیگر را محکوم میکنند. در حالیکه دولت دست نشانده کرزی و طالبان و گلب الدین و گروه حقانی همه ای آنها دشمن خلق مظلوم افغانستان اند و دستان آنها تا مرفق به خون مردم آغشته است. دولت دست نشانده متشکل از تمام وطن فروشان جهادی، تکنوکرات های وطن فروش غربی و نمایندگان بورژواکمپرادور کشور های غربی و سرماییداری منطقه میباشد و طالبان، گروه حقانی و حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار نماینده طبقات ارتجاعی بورژوا فئودال میباشد و ناف همه آن ها به سیستم کثیف سرماییداری امپریالیستی و فئودالی وصل است و کشمکش بین آنها؛ تاجای مربوط به تضاد بین دول سرماییداری امپریالیستی و عده ای از کشورهای فئودال کمپرادوری است که طبقات حاکم ارتجاعی در این کشورها و یا جناحی از این طبقات ارتجاعی در برابر سلطه بی چون و چرای امپریالیسم ترمرد می کنند. رژیم های سرماییداری امپریالیستی و رژیم های حاکم ارتجاعی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره منطقه هر کدام به تناسب منافع شان در کمک به رژیم دست نشانده کرزی و استعمار و استثمار مردم مظلوم افغانستان نقش بازی میکنند. اکنون به وضاحت دیده میشود که مزدوران و نمایندگان دولت های امپریالیستی و ارتجاعی منطقه در مقامات ارکان ثلاثه دولت دست نشانده به شکل بسیار وقیحانه خود نمائی میکنند و از بادران بین المللی و منطقه ای شان به دفاع بر میخیزند. خلیلی، انوری، محقق و امثال شان از منافع دولت ارتجاعی ایران، اتحاد شمال بقایای باندهای وطن فروش خلق و پرچم مثل علوم گلاب زوی و امثال شان از منافع روسیه، تکنوکراتهای وطن فروش مانند امین فرهنگ، سپینتا از منافع سرماییداری غرب، کرزی، فاروق وردک از غندیوال و سیاف از منافع پاکستان و امریکا به دفاع می پردازند. در این رقابت و کشمکش یک مسئله بوضاحت جلب توجه میکند که تضادهای داخلی در افغانستان روز به روز قوس صعودی می پیماید از یک طرف تضاد بین خلق افغانستان با دولت دست نشانده کرزی و بادران اشغالگر شان که

تضاد عمده و اساسی است روز بروز جدی تر میگردد زیرا دولت دست نشانده در ظرف ده سال موجودیتش جز کشتار غارت، ویرانی، بربادی و تجاوز به مال و ناموس مردم از مغان دیگری نداشته است. مردم افغانستان از این ظلم و ستم به ستوه آمده اند و با طرق و وسایل گوناگون اعتراضات و نفرت و انزجارشان را از دولت دست نشانده و قوای اشغالگر ابراز میدارند. همچنان رقابت و تضادهای بین سیستم کثیف سرمایه داری و نظام های فنوئدال کمپرادوری جهانی و منطوقی که در موجودیت دولت دست نشانده کرزی خودنمایی میکند به اوجش رسیده است. جناح کرزی در تبنانی با امپریالیزم امریکا و دولت پاکستان میخواهند بخش های از طالبان، حزب اسلامی و گروه حقانی را در آینده در دولت دست نشانده شریک سازند. اما اتحاد شمال به رهبری عبدالله عبدالله و امرالله صالح و احزاب ارتجاعی خلیلی، محقق و دوستم خوشحال به نظر نمیرسند و در چانه زنی های میمون وار میخواهند حق باداران ایرانی و روسی شان را نیز مسجل سازند. آنها با وجود بگردن انداختن طوق لعنت نوکری به امریکا، نوکری و خدمت گذاری به باداران ایرانی روسی، چینیایی و هندی شان را هم فراموش نمیکند و به آنها گاه گاهی چراغ سبز نشان میدهند. این روسپی های سیاسی آنقدر در لجنزار وطن فروشی و فساد اخلاقی و اجتماعی غرق گردیده اند که حاضر اند با هر کشوری که منافع آن هارا تأمین نماید مزدوری نمایند. از همین لحاظ است که در این روزها تضاد باصطلاح شورای ملی با لوی سارنوالی، و دولت دست نشانده کرزی عمیق تر گردیده است. جناح کرزی در دولت تلاش دارد تا پارلمان را لجام زند و سرکشی آنرا مهار نماید و به سادگی بتواند پیمان لشکر گاههای نظامی امریکا در افغانستان را یکجانبه بدون در نظر داشت منافع کشورهای ذیدخل و نوکران داخلی آنها در قضایای افغانستان به تصویب برساند و هم پروژه مصالحه با طالبان را یکجانبه بدون در نظر داشت منافع اتحادشمال و احزاب ارتجاعی خلیلی محقق و دوستم به کرسی نشاند. اما اکثریت اعضای پارلمان، ائتلاف شمال (تغییر و امید) جناح های خلیلی، محقق و دوستم در صدد آن هستند تا در این رقابت و کشمکش توجه و پشتیبانی کشورهای غربی را به خود جلب نمایند و موازنه قدرت را به نفع بورژوازی کشورهای روسیه، ایران، هند و چین نیز نگهدارند. سفرهای عبدالله عبدالله و امرالله صالح به کشورهای غربی هم در همین راستا صورت گرفته است. به هر حال دولت دست نشانده کرزی به جامه کهنه و فرسوده ای میماند که هر لحظه امکان آتش کردن آن از طرف بادارانش امکان پذیر است و تاریخ نیز ثابت ساخته است که عمر رژیمهای دست نشانده کوتاه است و هر لحظه امکان سقوط آن

ها از طرف مردم و یا باداران بین المللی شان امکان پذیر میباشد. تاریخ بارها ثابت ساخته است که تجاوز و لشکر کشی امپریالیستها به کشورهای دیگر در آخرین تحلیل محکوم به شکست است. این شکست را تنها امپریالیست ها، خادمان و اجیران دون صفت آنها دیده نمیتوانند زیرا آنها به نیروی لایزال مردم ایمان ندارند و امکانات مادی و زرادخانه های تسلیحاتی سیستم غارتگر امپریالیستی چشمهای آنها را کور کرده است. همانطوریکه سوسیال امپریالیزم شوروی در افغانستان به شکست و روسیاهی سردچار گردید، امپریالیستهای غربی و سگهای زنجیری شان نیز به شکست مفتضحانه ای روبرومیشوند. بیش از سه دهه تجاوز، غارتگری، استعمار، استثمار و کشتار بیرحمانه مردم ما توسط امپریالیست ها این حقیقت را یکبار دیگر آشکار ساخت که راه نجات مردم افغانستان از چنگال امپریالیزم و فئودالیسم و ارتجاع منطقه؛ رفتن به پارلمان، مبارزه پارلمانی و فرمیستی نیست. خلق افغانستان وقتی به آزادی، دموکراسی و سعادت واقعی نایل میگردد که به رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر و ایجاد جبهه متحد ضد امپریالیستی و ارتجاعی، امپریالیستها و سگ های زنجیری شان را از کشور بیرون نمایند و یک دولت دموکراسی نوین و مردمی را ایجاد کنند. در این لحظه مسئولیت بسیار خطیری بدوش نیروهای واقعاً انقلابی و پیشرو قرار دارد تا بادرک اوضاع فعلی کشور و جهان بخاطر ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نوزند و تمام نیرو و انرژی مبارزاتی خویش را در این راه به مصرف برسانند. اگر به افشأگری سیاسی بسنده کنیم و از مبارزه ایدئولوژیک سیاسی برای افشای چهره انواع اپورتونیسم و رویونیسم و مبارزه در راه تشکیل حزب انقلابی غفلت نمائیم و یا به آن کم بها دهیم دچار اشتباه فاحشی میگردیم. زیرا بدون یک حزب انقلابی پرولتاری پیروزی بردشمنان ملی و طبقاتی مردم محال است.